

اتهام قوادی^۱

«رویدادها عاملی هستند که میتواند درسی برای انسان های هوشمند باشد»

امیر فیض-حقوقدان

دیروز خبری منتشر شد که آقای دومنیک استروس کان (Dominique Strauss-Kahn)^۲ رئیس سابق صندوق بین المللی پول از اتهام قوادی تبرئه شد. این خبر بمناسبت اتهام قوادی که از سوی یک خبرنگار ایرانی- کانادایی در مورد شورای تجزیه طلبان متوجه اعلیحضرت و شورای مزبور شده علت تنظیم این تحریر گردید.

اهمیت خبر مزبور در این است که نشان میدهد جامعه جهانی از جمله فرانسه اتهام قوادی را بسیار جدی تلقی میکند و اجازه نمیدهد که کسی در آن کشور با وجود چنین اتهامی آزاد باشد و باید تعیین تکلیف بشود که آیا اتهام وارد است یا خیر.

اتهام رامیتوان به لکه ای که بر لباس انسان می افتد تشبیه کرد اگر به محض وارد شدن لک، بلافاصله اقدام به شستن و رفع آثار آن بشود لکه پاک میشود و اثری از آن باقی نمی ماند ولی اگر مدت زمانی گذشت و اقدام به شستن آن نشد آن لک باقی میماند و دیگر رفع شدنی نیست و بی فایده بودن تلاشهای بی وقت همان است که در ادبیات مایرانیان به (نوشدارو بعد از مرگ) تعبیر دارد.

اتهام بانام و نشان

اتهام، وقتی که اتهام زنده، بانام و نشان باشد، یک روایت است؛ که منبع و ماخذ روایت معلوم است چنین روایتی اگر از سوی راوی و یا مراجعی از اعتبار فرضی ساقط نگردد، مورد استناد دیگران بعنوان ناقل روایت قرار گرفته و کم کم بصورت روایت معتبر در میآید در تطبیق مورد، اتهام قوادی که متوجه اعلیحضرت و شورای ایشان شده اگر همینطور رها شود که شده، بصورت یک روایت درست تحویل گرفته خواهد شد و تصور نمیکنم که نیازی باشد به تشریح مفاسد چنین برجسبی.

چنین اتهامی، اتهام سیاسی و عقیدتی نیست که بحث پذیر باشد؛ اتهام حیثیتی و شخصی است و برخلاف اتهام سیاسی، محدودیت دفاع به شخص طرف اتهام تعلق دارد.

این درست، که گفته شده «جواب ابلهان خاموشی است» و یا «در دروازه را میتوان بست ولی زبان مردم را نمیتوان بست» - ولی این موارد به هیچوجه شمولی بر موضوع اتهام قوادی به اعلیحضرت و شورای ایشان ندارد؛ زیرا آن مثالها مربوط به موردی است که گوینده و مفتری (مردم = عام) ناشناخته باشند نه نسبت به موردی که راوی مشهور و معلوم باشد. در مورد جواب ابلهان خاموشی است هم شرطش اثبات و یا شهرت مفتری به دیوانه بودن است نه آدمی که فاقد این شهرت است و برعکس آن، شهرت نامی

۱ - قوادی در فرهنگ واژگان؛ جاکشی، دیوئی، قلتبانی، لحافکشی

۲ - نام کامل Dominique Gaston André Strauss-Kahn ح-ک

ومقامی هم دارد. اینها بهانه هائی است که برای فراغت از تکلیف و بی قیدی و لابلالی بودن بکارگرفته میشود عقل به آن جواب تائیدی نمیدهد.

تمام قوانین کشورها به صیانت شرافت و اعتبار انسان ها مدون شده است و این بدان معناست که جامعه برامراحترام به شخصیت و نفرت از اتهامات نادرست متاثر است، لذا درحالیکه قانون به حمایت از حقوق حیثیتی مردم مقید شده، خود مردم نباید از اهمیت موضوع به بهانه های گوناگون غافل بمانند. باین غفلت نامش چوب لای چرخ قانون گذاشتن و موجب تجری مفتریان بی اخلاق خواهد شد.

لیاقت دفاع

این سبیه انسانی است که اگر کسی لیاقت دفاع از حیثیت خود و یا دوستانش را نداشت لیاقت دفاع از کشورش را هم نخواهد داشت. این، یک امر طبیعی است که انسان بطور طبیعی اول از خودش دفاع میکند و بعد از دیگران، انسانی که جُرزه دفاع از حیثیت خود را ندارد بالطبع ظرفیت دفاع از هیچ چیز و هیچکس تا چه رسد به وطن را نخواهد داشت؛ اساسا انسان شهره به فساد اخلاق و از جمله قوادی فاقد صلاحیت دفاع از شرافت دیگران است. و دفاع او، دفاع از عمل قوادی به حساب میآید.

وزیر کشور ایتالیا جمله ای دارد که میگوید <کسی که طرف اتهام قرار گرفت باید از کارکنارگیری کند>^۲

یعنی اتهام و افترا سبب سلب اعتبار میگردد که اعتبار لازم فعالیت اعم از سیاسی و اجتماعی است.

فعالیت سیاسی برای نجات کشور حساسترین نوع فعالیت هائی است که درسنگرفش اعتماد مردم قابل حرکت است، اتهام قوادی کجا و اعتبار لازم برای رهبری کجا؟

شاهنشاه و بی اعتنائی به اتهامات

اثرات وتالی فاسد بی اعتنائی به اتهامات و دروغسازى ها در کتاب پاسخ به تاریخ نیز رخ نشان داده است و شاهنشاه میفرمایند:

<باید قبول کنیم که برای دفاع از کشور خود و نظام سیاسی آن در مقابل دروغ پردازیها و تبلیغات سوء کار مهمی انجام نداده ایم. اکنون من بخوبی متوجه شده ام که چه برنامه ها و ترتیبات حساب شده ای بر ضد ما به مرحله اجرا درآمد. من آنچنان به خود اعتماد و اطمینان داشتم که به حملات و اهانت ها و دروغ پردازی ها اعتنائی نکردم و سرانجام زنان و مردان و بویژه جوانان بسیاری دستخوش تبلیغات سوء و انحرافی شدند.>

(پاسخ به تاریخ ۲۳۱)

برای بیداری اعلیحضرت

بسیار دشوار و احتیاط آمیز است اظهار این سخن؛ ولی کسی که خودش گفته مرا بیدار کنید؛ نمیتوان در صدا کردن بلند و مکرر او امساک کرد. بجاست که اعلیحضرت بیدار شوند.

^۲ - در فرهنگ ژاپن رسم است هرکس که اخلاق «سامورایی» را می پذیرد و طرف اتهام قرار گرفت و اتهامش قابلیت ثابت کردن داشته باشد خود کشی (هاراکیری) می کند. ح-ک

همانطور که اعلیحضرت مستحضرند ازسوی افرادی، با عناوین خاصی که ورای عنوان قانونی ایشان است خطاب گرفته اند (عنوان قانونی من رضاشاه دوم است = بیانات اعلیحضرت) نمیدانم آگاه هستند یا خیر که در مقابل سماجت کسانی که خودشان را نماینده اعلیحضرت برای جمع آوری پول معرفی میکنند با واکنشهای لفظی مانند (رضا گدا) روبرو شده اند؟

اکنون درکمال تاسف فصل تازه ای از اتهام که قوادی است متوجه اعلیحضرت شده است، چرا در این حد بی حالی میفرمایند. شورائی که از حیثیت و شرافت رئیسش نمیخواهد دفاع کند معنایش این است که اتهام قوادی وارد است. شورائی که اهمیتی به اتهام مزبور نمیدهد معنایش این است که بخشی از افتخارات و مواضع شورا بوسیله ثالث اعلام شده است. در این صورت چرا این افتخاردرپسوند نام شورا قرار نگیرد؟ بنابراین، این استدعا جای توجه پیدا میکند که حد اقل نام ایران از شورا حذف شود.

آنجا که شاهنشاه ایران در پاسخ به تاریخ میفرمایند: >.....اکنون به خوبی متوجه شده ام که چه برنامه ها و ترتیبات حساب شده ای برضد ما به مرحله اجرا درآمد< درس و تجربه تاریخ است که اتهام قوادی و امثال آنها برنامه های حساب شده ای است برای حذف کامل سلطنت. زیرا فرهنگ ایرانی ورود چنین اتهاماتی رابه هرفرد ایران محو کامل آن شخص میداند.

کارسیاسی همه چیزش برنامه ریزی شده است همان بکاربردن واژه منتظرالسلطنه در کنار اتهام قوادی برای اعلیحضرت بارسیاسی اش درکنار بارشرافتی و حیثیتی آن ترتیبات حساب شده است که درتوصیه شاهنشاه ایران ملحوظ گردیده است.

یک نمونه

در قسمت چهارم تحریر<شهادت مقلوب نسبت به شاهنشاه> اتهام ازدواج چهارم شاهنشاه! آریا مهر (مقصود رابطه با والاگهر آزاده شفیق است) که مورد سوال اورینا فالانچی قرارگرفت شاهنشاه با عباراتی قاطع وبا معرفی ونام بری از روزنامه و خبرگزاری فرانسوی که این دروغ بی شرمانه رابه قصد بهره برداری های سیاسی منتشرساختند، دررفع اثرات آن، اقدام کردند وپس از آن دیگران آن دروغ، پردازی اثری دیده نشد واگر سکوت میکردند و میگفتند ای بابا تاریخ قضاوت خواهد کرد - این مردم همین هستند که می بینیم چه میشود کرد، یک کسی آمده یک چیزی گفته ورفته چراباید آنرا بهم زد و امثال آنها، آن دروغ فاحش و بیشرمانه ثبت درتاریخ و احوالات شاهنشاه میشد.^۴

۴ - مورد اتهام مهمی در یکی از مجله های سوییس بنام «کانار آن شنه Le Canard Enchaîné = اردک زنجیر گسیخته» در سالهای ۱۹۷۰ نسبت به خواهر و شخص شاهنشاه آریامهر نوشته شد. به دنبال آن روزنامه لو موند فرانسه گرچه به نقل از مجله کارتونی سویسی، در برگ های میانی خود مطالب توهین آمیزی را تکرار کرد. در آن سال روزنامه و مجله هایی که مطلب را تکرار کرده بودند همگی تحت تعقیب قانونی قرار گرفتند. بالاخره لوموند در دادگاه فرانسه محکوم به پرداخت یک میلیون فرانک فرانسه شد. دیگر روزنامه و مجله ها به ترتیب مورد تنبیه قرار گرفتند. شاهنشاه فرمودند حال که روزنامه رسماً در دادگاه محکوم شده است لزومی به پرداخت پول نیست. دادگاه نپذیرفت. مقرر بر آن شد یک میلیون دلار به روزنامه لوموند بخشوده شود به شرط آنکه تنها به منظور اجرای حکم دادگاه تنها یک فرانک پرداخت کند وبقیه جریمه را به مصرف معرفی ایران و در آن سالها جشن های ۲۵۰۰ ساله در جریان بود به انتشار مطالبی در باره جشن ها بپردازد.

اعلیحضرت در مصاحبه با یک خبرنگاری خارجی در سابق این اطلاع عمومی را داده بودند که نسبت به مفتریان ساکت نخواهند ماند، و این یادآوری هم شده بود که تاکنون در موارد مشابه توفیق هم بوده است، ولی متأسفانه هیچ موردی بغیر از مورد احمدعلی مسعود انصاری که آنهم جنبه مادی داشت ملاحظه نشده است.

اتهام اعم از سیاسی و یا حیثیتی که نزد مردم ایران دومی بسیار با اهمیت تر از اولی است، به بود و نبود غیرت و شرافت تعبیر میشود و زخم سنگینی است که هرچه بماند عفونتش بیشتر و غیر قابل تحمل میشود تا انسان را از پای در آورد.

در اوائل جنگ عراق و ایران یک روزنامه عربی در استمداد به جمهوری اسلامی نوشت که رضایپهلوی پسر شاه سابق برای عراق اسلحه خریداری میکند. خبرنگار روزنامه حریت به اعتبار همان خبر روزنامه عربی سوال مزبور را از اعلیحضرت کرد که اعلیحضرت در کمال قدرت و وحدت آن اتهام را ناروا دانسته و محکوم کردند و با یاد آوری بیانیه آمادگی خودشان برای دفاع از ایران در مقابل حملات عراق مانع روند آن دروغ و اتهام شدند.

ممکن است کسی به این قبیل اتهامات اهمیتی ندهد و واگذار به خدا و قضاوت مردم بکند، ولی موقعیت ها فرق میکند کسی که خودش را رئیس یک سازمان سیاسی میداند، و آن سازمان سیاسی که وجودش را مرهون اعتبار و شخصیت رئیس خود میداند، و کسی که نماد یک ملت شناخته میشود و میگوید که میخواهد از سرمایه نمادی اش برای نجات کشورش استفاده کند، نمیتواند نسبت به اتهامات این چنینی بی اعتناء باشد؛ این قبیل اتهامات مانند خوره سرمایه نمادی و اعتمادی رامیجود و از بین میبرد.

این سخن اعلیحضرت است که فرموده اند: «من متعلق به خودم نیستم.....» آیا تصور میفرمایند که ملت ایران که اعلیحضرت خودشان رابه آن ملت متعلق میدانند راضی اند که قواد شناخته شوند؟ آیا هر مرد ایرانی که طرف این اتهام قرارگیرد همان خواهد کرد که اعلیحضرت و شورایشان از آن استقبال میکنند؟^۵

گفته شده که آقای فرامرز فروزنده بعلت اعتراض به رئیس شورا از خدمت در تلویزیون اندیشه برکنار شده است (منبع خبر رضا پیرزاده)، آقای فروزنده عضو شورای تجزیه طلبان است حق دارد به رئیس شورای که خود او عضو آن است اعتراض کند این یک کار دموکراتیکی است، با اینهمه حساسیت موضوع متوجه اعلیحضرت و قضاوت ایشان است؛ ولی اینکه یک خبرنگاری اعلیحضرت را منتظر السلطنه و قواد معرفی کند البته که کار دموکراتیکی نیست، یک اتهام بسیار پرمعنائی است و نمیتوان حساسیت اعلیحضرت را نسبت به اظهارات آقای فروزنده با اظهارات آن خبرنگاردریک سنجش پرابهام قرار نداد.

^۵ - مواردی متوجه رضا پیرزاده است و بسیاری که در فرانسه زندگی میکنند مراتبی از پیشینه این شخص را میدانند، در آن رابطه اتهام را متوجه شورای به اصطلاح ملی کرده اند. چرا که رضا پیرزاده خود را رییس دفتر و مشاور مهم اعلیحضرت معرفی میکند.
ح-ک